

یادداشت

هدفون؛ تکنولوژی خروج از جهان

محمد آقاسی

جامعه‌شناس وپژوهشگرافکارعمومی

در یکی از داستان‌های شرلوک هولمز، کارآگاه مشهور با چشمان بسته در اتاقی تاریک ویولن می‌نوازد. واتسون می‌پرسد: «چیزی شنیدی؟» و هولمز پاسخ می‌دهد: «صدای خیابان را حذف کردم تا بتوانم صدای مهم‌تری را بشنوم». اگر هولمز امروز زندگی می‌کرد، شاید به جای ویولن از هدفون‌های حذف نویز استفاده می‌کرد، با این تفاوت که هدف او شنیدن صدایی خاص نبود، بلکه شنیدن صداهای مزاحم بود. در خیابان‌های تهران، واکن‌های مترو، اتوبوس‌ها و حتی پارک‌ها، تصویری تکرار‌شونده دیده می‌شود: انسان‌هایی که با هدفون در گوش، در میان جمعیت حرکت می‌کنند. در نگاه نخست، هدفون وسیله‌ای برای شنیدن موسیقی یا پادکست است؛ اما در سطحی عمیق‌تر، می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین ابزارهای دفاعی انسان معاصر در برابر فشار زندگی شهری دانست. انسان امروز در جهانی زندگی می‌کند که سرعت ارتباطات، جابه‌جایی، تولید اطلاعات و مصرف تجربه‌ها دانما افزایش یافته است. تکرار‌شده‌ی زندگی، تجربه‌ای از فرسودگی ایجاد می‌کند که بسیاری از شهروندان هر روز آن را تجربه می‌کنند. هدفون پاسخی به همین وضعیت است. فرد با قراردادن در بلندگوی کوچک در گوش، بخشی از جهان پیرامون را کنار می‌زند و برای خود قلمرویی خصوصی می‌سازد. او همچنان در مترو، خیابان یا ترافیک حضور دارد، اما هم‌زمان در جهانی دیگر نیز زندگی می‌کند؛ جهانی که صداهای آن را خودش انتخاب کرده است. اما همین نقطه، آغاز یک تناقض است. رزا معتقد است رابطه زنده انسان با جهان از طریق «زونانس» شکل می‌گیرد؛ وضعیتی که در آن جهان می‌تواند بر ما اثر بگذارد و ما نیز به آن پاسخ دهیم. رزونانس مستلزم نوعی کشیدگی و آسیب‌پذیری است. هدفون دقیقاً در جهت معکوس عمل می‌کند. هدفون سپیری است که بخشی از تماس ما با جهان را قطع می‌کند.

به همین دلیل، فضاهای عمومی به تدریج تغییر می‌کنند. پیاده‌رو دیگر صرفاً محل عبور بدن‌ها نیست؛ محل عبور جهان‌های صوتی جداگانه است. افرادی که یک مکان مشترک حضور دارند، اما هر کدام در محیط شنیداری متفاوتی زندگی می‌کنند. آنها از کنار یکدیگر عبور می‌کنند، بی‌آنکه الزاما در یک تجربه مشترک سهیم باشند.

تناقض دوم حتی جالب‌تر است. بسیاری از افراد هنگام پیاده‌روی یا حضور در مترو، پادکست‌ها و کتاب‌های صوتی را با سرعت یک‌نیم یا دو برابر گوش می‌دهند تا زمان بیشتری ذخیره کنند. در اینجا هدفون دیگر ابزار فرار از شتاب نیست؛ به ابزاری برای بازتولید همان شتاب تبدیل می‌شود. وسیله‌ای که قرار بود فاصله‌های میان فرد و فشارهای جهان ایجاد کند، خود در خدمت همان منطق قرار می‌گیرد.

بر اساس گزارش‌های موجود، آمار دقیق خرید و فروش هدفون در ایران به تفکیک تعداد دست‌سگاه در دسترس نیست. با این حال، مؤسسات تحقیقاتی پیش از تحولات اخیر (۲۰۲۵) رشد بازار هدفون ایران را حدود ۷.۶ درصد در سال پیش‌بینی می‌کردند و روند رو به رشدی برای هدفون‌های بی‌سیم پیش‌بینی شده بود.

محبوبیت روزافزون هدفون‌ها اتفاقی نیست. هدفون پناهمگاهی سیار برای انسان خسته شهری و راهی برای بازپس‌گیری بخشی از توجه و آرامش در جهانی است که پیوسته خواهان زمان و ذهن اوست. شاید به همین دلیل باشد که در بسیاری از شهرهای بزرگ، آخرین قلمروی شخصی خصوصی انسان نه خانه و نه محل کار، بلکه همان فضای کوچک‌ی است که میان گوش و هدفون شکل می‌گیرد. هدفون وعده خروج از جهان را نمی‌دهد، تنها امکان می‌دهد شدت حضور جهان را برای لحظاتی تنظیم کنیم. در عصر شتاب، همین امکان کوچک گاهی به اندازه یک پناهگاه ارزش دارد.

هوشیاری حاکمیت، سدی در برابر تعمیق شکاف‌های درونی

- در عرصه فرهنگی، تکثر را بپذیرد.
- در عرصه قضائی؛ با تعادل، موازن شرعی و رافت و عفو، رفتار کند.
- شفه معترضان پیش از جنگ (به‌جز کسانی که دستان به خون آغشته شده است) را هکاری مهم برای تحکیم وحدت است.

فراموش نکنیم؛ دشمن فقط در شکاف‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موفق می‌شود. اگر انسجام درونی باشد، از بیگانه هیچ کاری ساخته نیست. حاکمیت باید در این راه شجاعانه عمل کند تا بتواند وحدت ملی را پاس بدارد.

❗ به موضوع فساد و نبود شفافیت در اقتصاد اشاره کردید. ما در دهه‌های گذشته شاهد بودیم که ساختار اقتصادی، بایک زنجانی‌ها و شهرام جزایری‌ها را تولید کرده است. این فرایند پرورش مفسد چگونه شکل گرفته است؟

درباره شکل‌گیری فساد باید تأکید کرد که یک عامل مهم، ارتباط افراد با بخشی از ساختار سیاسی و نقشی است که آنها به‌عنوان نماینده نهادهای قدرت ایفا می‌کنند و دیگری، مسئله تحریم‌هاست. تحریم، امکان بروز فساد گسترده در کشور را افزایش داده و ساختار اقتصادی و فرصت‌های سوااستفاده را تشدید کرده است.

در گذشته و مثلا در زمان شاه، فساد معمولا در حوزه‌های نفت و گاز و سپس در کمرك و برخی حوزه‌های مشابه تعریف می‌شد، اما به عمق فساد فعلی نمی‌رسید. تحریم‌ها حوزه‌های جدیدی برای فساد ایجاد کردند؛ به‌گونه‌ای که بخشی از منابع مالی دولت به دست واسطه‌ها منتقل شد و معاملات از خیابان‌ها و شاهراه‌ها به کوچه و پس‌کوچه‌ها منتقل شد. به‌طوری‌که نهادهای محلی کنترل ایسن مناطق را در اختیار گرفتند و این نبود شفافیت در خریدهای عمده و دیگر حوزه‌ها نیز وجود دارد.

طبیعی است وقتی کشور تحت تحریم قرار می‌گیرد و معاملات شفاف نیستند، فساد بسیار گسترده‌تر می‌شود. در شرایط فعلی، فروش نفت در بازارهایی که شفاف نیست، رخ می‌دهد و نرخ‌های تبدیل ارز نفت روشن نیست و… . تمام این مسائل فساد را تشدید می‌کند. علاوه بر این، معاملات غیررسمی در خارج از کشور به داخل کشور نیز سرایت می‌کند و به این ترتیب فضای داخلی اقتصاد آلوده می‌شود. برای مثال، اگر یکی کارمند خرید در یک بنگاه کوچک تولیدی باشد، می‌تواند پول تخصیصی را از وزارتخانه یا بانک مرکزی دریافت کند، اما محل دقیق آن مشخص نیست و ممکن است این تخصیص در دویی با چین انجام شود. این نبود شفافیت، امکان تخلف را فراهم کرده و فضا را آلوده می‌کند.

بنابراین، بخش درخرو توجهی از شرایط فعلی اقتصاد کشور حاصل تحریم‌هاست. این وضعیت باعث شد یک حوزه اصلی فساد، یعنی نیروهای خاص و نهادهای مربوط به ساختار سیاسی، و سود ببرد. درواقع دولت هیچ‌گاه به منطق بازار احترام نگذاشت. دریافت‌کننده، این موضوع به توسعه فساد و کاهش رفاقت منجر شد.

❗ برگردیم به بحث سیاست‌های اقتصادی. در سؤال‌های ابتدایی من منظورم دقیقا این بود که شخصی شما مسئولیت مستقیمی در سیاست‌گذاری اقتصادی داشته‌اید، منظور این بود که در دولت‌های مختلف نقش مشاوره‌ای ایفا کرده‌اید. شما و اقتصاددانان همفکران قائل به سیاست‌های بازار بودید. اگر دقیق بررسی کنیم، در دولت‌های مختلف و مقاطع مختلف، آزادسازی قیمت رخ داده است، اما هیچ‌گاه وضعیت را بهتر نکرده و نه تورم را کاهش داده و نه قیمت‌ها را واقعی کرده است.

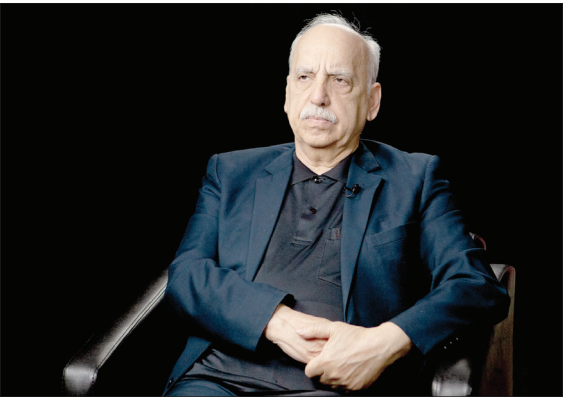
بله درست است منجر به بهبود وضعیت نشد. ببینید، من در سال ۱۳۶۳، یعنی حدود ۴۱ سال پیش، درباره تک‌نرخ‌شدن ارز صحبت کردم. پس معلوم است که از همان سال‌ها مقامات مطلع بودنته که چندنرخ‌بودن ارز یکی از مهم‌ترین پایه‌های فساد است. این‌گونه بگویم که از همان سال‌ها که مراکز تهیه و توزیع در زمان آقای میرحسین موسوی ایجاد شد و دلار هفت تومانی در مقابل دلار ۱۴۰ تومانی عرضه شد، پایه‌های فساد شکل گرفت. از ابتدای انقلاب، یکی از حوزه‌های گسترده فساد همین نظام چندنرخ‌ی ارز بوده است.

به یاد دارم اولین جایی که در مقام مشاوره اقتصادی حضور داشتم، متوجه شدم جاروی دستنی یا به‌اصطلاح جاروی نپتون تولید می‌شود و در جعبه‌ای به قیمت ۱۶۰ تومان فروخته می‌شود. بعد یک عده می‌آمدند آن جاراها را به صورت کارتونی و در مقیاس بالا خریداری می‌کردند. کارتون‌ها را باز می‌کردند و کارتون بسته‌بندی را به صورت کیلویی می‌فروختند و خود جارو را خرید می‌کردند و به‌عنوان خرده‌پلاستیک جداگانه به فروش می‌رساندند. دلیل این اقدام، تفاوت بسیار زیاد دلار هفت تومانی با دلار ۱۴۰ تومانی بود. یا می‌بینیم که در مقاطعی، در کارخانه ایران‌خودرو کارگران خودرو را سوار می‌شدند و ۳۰ کیلومتر داخل کارخانه رانندگی می‌کردند تا بتوانند محصول دست‌دوم را با قیمت بازار آزاد بفروشند و مجبور به فروش خودروی نو با قیمت دولتی نباشند. همچنین در یک کارخانه مشاهده کردم که ورق‌های فلزی را زیر باران قرار داده بودند تا رنگ بزنند و بعد از آن ضایعات فلز فروخته ششوند. مس‌ا از چنین اقتصادی آغاز کردیم؛ اقتصادی که به‌شدت کنترل قیمت می‌کرد و تفاوت‌های ارزی بزرگی ایجاد شده بود.

مثلا ما می‌توانستیم در ایران پیراهن بدوزیم، اما می‌رقتم پیراهن را از سوریه با دلار هفت تومانی می‌آوردیم. وقتی این نرخ اعمال می‌شد، تولیدکنندگان داخلی که مجبور بودند تا دلار ۱۴۰ تومانی هزینه‌های خود را تأمین کنند، زمین‌گیر می‌شدند. این اتفاق‌ها و سیاست‌گذاری‌ها منجر به جنین فجاها در اقتصاد و شکل‌گیری فساد شد. درواقع سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به سمت شکل‌گیری رانت رفت و همه چیز به کنترل دولت درآمد؛ یعنی دولت حتی کاروان‌های زیارتی را دولتی کرد. الان باید پرسید کجای این اقتصاد خصوصی است یا کجا اقتصاد بازار نظام چندنرخ‌ی ارز را تأیید می‌کند؟ در ۴۷ سال گذشته، ما تقریبا همیشه نظام چندنرخ‌ی ارز داشتیم؛ حتی در مقاطعی کوتاه در دوره آقای خاتمی شاهد هستیم که این وضعیت چند ماه تغییر یافته و سپس دوباره به حالت پیشین بازگشته است. بنابراین، در اقتصاد ایران عناصر اقتصاد باز به صورت واقعی مشاهده نمی‌شوند.

چرا نظام چند نرخ‌ی بازار تحمل می‌شود؟ به بهانه حمایت از مستضعفین. برای مثال، گفته می‌شد ایران‌خودرو باید محصولات خود را به اقصانقاط کشور برساند، حتی به استان‌هایی مانند ایلام تا مردم از آن بهره‌مند شوند و به آنها خودرو را ارزان بفروشیم. در دهه ۶۰، برخوردهایی برای جلوگیری از گرانی انجام می‌شد، ازجمله شلاق‌زدن برای گران‌فروشی، کجای این اقتصاد بازار است که شما می‌خواهید با شلاق‌زدن قیمت

ادامه از صفحه ۳



را کنترل کنید؟

بنابراین همین نظام چندنرخ‌ی ارز، پایه‌های فساد و توزیع قدرت و رانت را شکل داده است. حتی زمانی که بورس فلزات در حال شکل‌گیری بود، تخصیص‌ها به صورت غیرشفاف و کنترل‌شده انجام می‌شد و بازار واقعی وارد عمل نمی‌شد؛ بنابراین شخصی که مثلا گوداری داشت، سه واحد زده بود و به اسم هرکدام فولاد ارزان می‌گرفت تا در بازار آزاد بفروشد و سود ببرد. درواقع دولت هیچ‌گاه به منطق بازار احترام نگذاشت. ایسن نظام قیمت‌گذاری غلط و تخصیص‌های غلط، هیچ‌کدام اقتصاد بازار نبوده و باعث شده است بنای شکل‌گیری واحدهای تولیدی نیز اشتباه گذاشته شود. برای مثال، در شهر ناپ ۳۴ کارخانه فولاد ایجاد شد، در حالی‌که این منطقه پیش‌تر کشمش تولید می‌کرد. دلیل آن، ارز ارزان و گاز ارزان برای تولید بوده است. سیستم چندنرخ‌ی، توزیع رانت و ورود گروه‌های نظامی به اقتصاد، ترکیبی ایجاد کرده است که هیچ‌یک نشانگر اقتصاد بازار واقعی نیست. حتی در سال‌هایی که دولت آقای خاتمی توانست شش درصد بازده اقتصادی ایجاد کند، کنترل‌ها و محدودیت‌های سنگین در اقتصاد همچنان برقرار بود. بنابراین اگر کسی بخواهد این مشکلات را به بازار آزاد نسبت دهد، حتما درست نمی‌گوید.

❗ همان آزادسازی مقطعی قیمت هم درواقع سود بنگاه‌های دولتی را بیشتر کرده و هیچ‌کدام از این آزادسازی‌های قیمت کمکی به جیب مردم نکرده است.

منظور شما جهش نرخ ارز است؟

❗ بله؛ هم جهش قیمت ارز است و هم آزادسازی قیمت.

منظور شما از آزادسازی قیمت مثلا چه کالایی است؟

❗ قیمت بنزین مثلا…

قیمت بنزین به نظر شما گران است؟

❗ بحث قیمت ارزان و گران نیست، بحث نامشخص بودن این سیاست‌هاست که معلوم نیست آیا بازار آزاد بیرونی می‌کند یا نه؟

این فرمایش شما بیشتر خود را در جهش‌های نرخ ارز نشان می‌دهد، وگرنه نرخ خدمات دولت مانند آب و گاز که چندان بالا نرفته و همچنان تحت کنترل دولت باقی مانده است. درباره قیمت ارز هم باید گفت دولت‌ها هیچ‌کدام قیمت ارز را بالا نبردند، بلکه درواقع ارز در اختیار نداشتند. به نظرم اگر دولت آقای پزشکیان هم ارز کافی در اختیار داشت، همان ارز ۲۸ هزارو ۵۰۰ تومانی را همچنان می‌پرداخت.

منظور این است که وقتی قیمت‌ها سرکوب می‌شود، این وضعیت خود را تحمل می‌کند و اگر منابع وجود داشت، دولت‌ها تخصیص می‌دادند. اما این سرکوب قیمت‌ها باعث شده است حقوق و دستمزد نیز سرکوب شود؛ به‌گونه‌ای که قیمت نیروی کار به‌شدت پایین مانده است، به‌طوری‌که اکنون در یک کلان‌شهر مانند تهران، ۹۰ درصد مردم توان خرید خانه را ندارند. دلیل آن، این است که خرید یک واحد ۶۰متری، معادل دستمزد سه‌سال‌های طولانی افراد است. بنابراین، بخشی از این فرایند بازسازی که به‌شدت آسیب دیده، بخش مربوط به دستمزد‌هاست و ما خود را در این حوزه در تله انداخته‌ایم؛ به‌گونه‌ای که اکنون مسئله مسکن هیچ راه‌حل عملی‌ای ندارد.

برخی از دوستان پیشنهاد داده‌اند که دولت‌ها مسکن بسازند و این فرایند آغاز شد، اما در دولت روحانی به مدت چهار تا پنج سال مقاومت شد و سپس وزیر جدید، آقای اسلامی، اعلام کرد ۴۰۰ هزار واحد مسکونی ساخته خواهد شد و بعد آقای رئیسی گفت چهار میلیون واحد می‌سازیم. حالا وضع به جایی رسیده است که مردم مبلغی حدود ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان پرداخت کرده‌اند، اما در ازای آن دولت آقای پزشکیان متعهد شده ۸۶۰ هزار واحد بسازد و به مردم بدهد. این در حالی است که دولت ظرفیت لازم برای ساخت و تحویل این واحدها را ندارد. این موضوع نشان می‌دهد حتی بخش خصوصی مسکن نیز دولتی شده و این امر نمایانگر آن است که گرایشات اقتصادی از سال ۱۳۸۵ به سمت بیشتر دولتی‌شدن اقتصاد پیش رفته است. در این میان، قیمت‌های ارز جهش یافته‌اند و این جهش‌های ارزی نیز همان‌طورکه اشاره شد، ناشی از تصمیم دولت‌ها بوده، بلکه شرایط به‌گونه‌ای حاکم شده که این جهش‌ها رخ داده است؛ زیرا قیمت‌ها

کسی نمی‌تواند بگوید اقتصاد ایران لیبرال است

به‌موقع حرکت نکرده‌اند، جمع شده و پرش داشته‌اند.

اگر در این شرایط دنبال مقصر باشیم، مقصر بودجه است؛ زیرا بودجه‌ها تعادل ندارند و در نهایت به بانک مرکزی احاله می‌شود. در پایان سال، بانک مرکزی پایه پولی را افزایش می‌دهد و با افزایش پایه پولی، تورم ایجاد می‌شود و قیمت ارز نیز با آن حرکت می‌کند. بنابراین، این وضعیت ناشی از سیاست عمدی دولت‌ها نیست. بازار ارز آزاد در ایران وجود نداشته و هرگز به صورت واقعی یک نرخ آزاد نداشته‌ایم. علت جهش‌ها این است که دولت نتوانسته نرخ ارز را در سطح مشخص نگه دارد.

❗ طی دهه‌های مختلف، از سال ۱۳۶۳ تا امروز، هرگز از نسوی مشاوران اقتصادی همفکر شما سناریوی جدیدی به دولت پیشنهاد شد تا شرایط اقتصاد اصلاح شود؟
اکنون دولت‌ها مشکلات را می‌دانند، اما جرت و توان اجرای اصلاحات از بین رفته است؛ زیرا نهادهی که باید اصلاح کند، در شرایطی از تعلیق نهادی قرار دارد و اصلاحات برای آن بسیار سنگین شده است.

نگاهی به نوشته‌های اقتصاددانان معروف کشور، ازجمله آقای طبیبیان، آقای نیلی و دیگران، نشان می‌دهد این افراد درباره ناترازی‌ها و وضعیت بانک‌ها بارها نوشته‌اند. خود من نیز در اواخر دهه ۷۰ مقاله‌ای داشتم و در یک مناظره با مرحوم آقای نوربخش اظهار کردم که ناترازی‌های بانکی شروع شده است و این وضعیت برای دولت مشکلاتی ایجاد می‌کند. حتی در شبکه‌های تلویزیونی بیان شد که لازم است مردم بدانند برخی اقدامات بانکی غیرقانونی است، اما مجوزها صادر شده‌اند.

باید اشاره کنم که وضعیت نظام بانکی در زمان دولت آقای احمدی‌نژاد به‌گونه‌ای بود که ۲۵ هزار شعبه غیرقانونی ایجاد شده بود؛ به‌ویژه در تعاونی‌های اعتبار و مؤسسات مالی. این شعب غیرقانونی در دولت جایگاه داشتند و نشان می‌دهد که اقتصاد بازار در ایران وجود نداشته است. در همان زمان، من مواردی را مطرح کردم و اقتصاددانان کشور نیز مسائل را دیده‌اند و نوشته‌های آنان موجود است؛ برای مثال، متن مربوط به اقتصاد صنعتی و سیاست صنعتی کشور که توسط آقای نیلی و دیگران، حدود ۲۰ سال پیش منتشر شده و هشدارهای خود را ارائه کرده‌اند.

من فکر می‌کنم این مسئله را نمی‌توان بر گردن اقتصاددانان انداخت.

بسیاری از اقتصاددانان، چه در گذشته و چه در حال حاضر، دیدگاه‌های مخالف ارائه می‌دهند و با ایده‌هایی که مطرح می‌کنند، سیستم را تا حدی دچار ابهام می‌کنند. این ایده‌ها همچنان وجود دارند، اما در مجموع، بدنه اصلی دانشگاهی به نظر می‌رسد سیگنال‌های درستی به دولت ارائه داده است؛ هرچند دولت‌ها نتوانسته یا نخواسته‌اند این سیگنال‌ها را عملیاتی کنند.

در این زمینه باید توجه داشت که اقتصاد یک علم بوده و هر علم دارای چارچوب و ساختار مشخصی است. اصول علمی اقتصاد در تمامی کشورها ثابت است و کتاب‌های درسی اقتصاد، چه در روسیه و چه در چین و آمریکا، شامل همان مفاهیم اصلی است و نظریه‌های فردی اقتصاددانان در آنها جایگاهی ندارد.

❗ اگر صحبتی برای جمع‌بندی دارید، لطفا مطرح کنید و بفرمایید با توجه به وضعیت فعلی که به آن اشاره کردید، از قبل از انقلاب تا امروز، آینده اقتصاد ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید یا آرا رهاکاری برای خروج از این وضعیت می‌بینید یا خیر؟

بدون شک باید رهاکار وجود داشته باشد؛ زیرا اقتصاد ایران پتانسیل‌های درخرو توجهی دارد. بااین‌حال، شرایط فعلی پس از جنگ ۱۷روزه به‌گونه‌ای است که نه جنگ و نه صلح حاکم است و شرایط تعلیق یافته است. در چنین شرایطی، بخش خصوصی سیاست انتخابی خود را بر مبنای انتظار و صبر قرار می‌دهد و نمی‌تواند تصمیم‌گیری اقتصادی بلندمدت داشته باشد. شرایط فعلی ریسک به ناطمنگناتی تبدیل شده است؛ زیرا اگر ریسک وجود داشته باشد، می‌توان احتمال آن را سنجید و متناسب با آن اقدام کرد یا آن ریسک را بیمه کرد، اما اکنون بنگاه‌ها نمی‌دانند دو هفته یا سه هفته آینده چه خواهد شد و تجربه کافی برای پیش‌بینی شرایط ندارند. در این شرایط، اقتصاد قادر به رشد نیست و نرخ رشد منفی است. بنابراین لازم است از این وضعیت خارج شویم. در صورتی که مذاکرات هسته‌ای به نتایج شایان توجهی برسد، انتظارات اقتصادی تغییر خواهد کرد و فضای مناسبی برای بنگاه‌ها ایجاد می‌شود تا فعالیت خود را از سر بگیرند. پتانسیل اصلاح وجود دارد، اما تقریبا تمام اقتصاددانان به این نتیجه رسیده‌اند که بدون بهبود سیاست خارجی، امکان خروج از مشکلات موجود وجود ندارد. ریکاوری اقتصاد ایران به صورت یک منحنی ۷ نخواهد بود، نمی‌توان انتظار داشت مانند ژاپن پس از سوامی یا ترکیه پس از کودتا، اقتصاد به‌سرعت به وضعیت عادی بازگردد. روند بازسازی اقتصاد ایران، پله‌ای است و باید گام‌به‌گام مسائل اقتصادی و سیاسی حل شوند. اصلاحات داخلی، سیاسی و اقتصادی باید به‌طور هم‌زمان و تدریجی صورت گیرد تا تعادل ایجاد شود. بنابراین بازگشت به شرایط مطلوب زمان‌بر خواهد بود و امکان صعود سریع وجود ندارد. برای این منظور، لازم است شرایط اجتماعی بهبود یابد و رابطه مردم با حکومت بهتر شود. کشور ایران دارای امکانات و پتانسیل‌های فراوانی است، نیروی انسانی خوبی دارد و موقعیت جغرافیایی آن مناسب است. بسیاری از سیاست‌مداران معتقدند تا وضعیت ایران روشن نشود، حتی نظم منطقه‌ای و جهانی نیز تکمیل نخواهد شد. ایران کشوری مهم در منطقه است و می‌تواند خود را بازیابد، اما باید از محدودیت‌ها و تحریم‌ها خارج شود.

آگهی مناقصه عمومی خرید – نوبت دوم شماره های ۶۶، ۶۷، ۶۸ و ۶۹ سال ۱۴۰۵							
شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی							
شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی در نظر دارد اقالم به مقدار و مشخصات ذیل به روش مناقصه عمومی :							
شماره مندرج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	شماره فراخوان	ردیف	نام و مشخصات کالا	تعداد یا مقدار	واحد	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار(ریال)	محل اعتبار
شماره ۲۰۰۴۰۱۴۳۰۰۰۲۹۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۶	۶۶	۱	دستگاه کروماتوگرافی گازی با طیف سنج جرمی GC/MS دارای هدا سیس و ژئرا تاور ups و متناسب	۱	دستگاه	۱۶.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰	عمرانی
شماره ۲۰۰۵۰۱۴۳۰۰۰۰۵ مورخ ۱۴۰۵/۲/۲۸	۶۷	۱	دستگاه ICP-OES طبق مشخصات	۱	دستگاه	۲۲.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰	عمرانی
شماره ۲۰۰۵۰۱۴۳۰۰۰۰۵۱ مورخ ۱۴۰۵/۲/۵	۶۸	۱	ویدئو وال صنعتی بدون لیه ۰/۸ میلیمتری	۹	دستگاه	۱.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰	عمرانی
		۱	لینک رادیو وایرلس طبق مشخصات	۱۰	دستگاه		
		۲	سوییچ مدیریتی ۱۰۰۰	۲۰	دستگاه		
		۳	دستگاه NVR	۱۰	دستگاه		
		۴	دوربین مدار بسته	۱۰۰	دستگاه		
	۶۹	۵	کابل برق ۲۵/۵۲	۵۰۰	متر		
		۶	کابل شبکه cat6	۳۰۵۰	متر		
		۷	دستگاه کنفرانس کم	۱	دستگاه		
		۸	سیستم کامپیوتری All in one	۴	دستگاه		
شماره ۲۰۰۵۰۱۴۳۰۰۰۰۵۲ مورخ ۱۴۰۵/۲/۵						۲.۳۵۰.۰۰۰.۰۰۰	عمرانی

و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت خریداری نماید . کلیه مراحل مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد . بدیهی است شرکت در رد یا قبول هر یک از پیشنهادهات مختار خواهد بود. هزینه آگهی از برنده مناقصه اخذ خواهد شد.

مهلت فروش اسناد : از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۹ مورخه ۱۴۰۵/۳/۱۹
آخرین مهلت تسلیم پیشنهادات در سامانه ستاد ایران : ساعت ۸ صبح مورخه ۱۴۰۵/۳/۱۴
زمان و تاریخ بازگشایی پیشنهادات در سامانه ستاد ایران : ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۴۰۵/۳/۳۱

شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

شناسه: ۲۱۹۲۴۴۷

مناقصه گران مناقصی ملزم به ارائه مدارک زیر از طریق سامانه ستاد می باشد:

۱) گواهی (معنبر) صلاحیت پیمانکاری ازسوی سازمان برنامه و بودجه (حداقل رتبه ۵ ر ه و ترابری) – گواهی صلاحیت در زمان ارزیابی می بایست حداقل سه ماه اعتبار داشته باشد
۲) روزنامه رسمی آخرین تغییرات شرکت در خصوص ترکیب اعضای هیات مدیره
۳) تکمیل فرم ارزیابی کیفی مناقصه گران و الصاق مستندات مربوط به توان مالی، سوابق کاری، ارزشیابی سوابق و…
۴) ارائه یک نسخه تأیید شده از صورت های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی مربوط به سال مالی قبل (۱۴۰۳) در زمان انعقاد قرارداد الزامی می باشد.در صورت عدم ارائه طبق قانون اقدام خواهد شد.

شناسه: ۲۱۹۲۴۴۲

امور حقوقی و قراردادهای شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران